



هفت لیوا  
وچهارنما بسنامه دیگر

رمضان امیری



سرشناسه امیری، رمضان، ۱۳۹۱-۱۳۹۳.  
عنوان و نام پدیدآور: هفت لیوا و چهار نمایشنامه دیگر / رمضان امیری؛ با حمایت  
انجمن هنرهای نمایشی استان بوشهر.

مشخصات نشر: بوشهر: دریاورد، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۱۰۰ ص؛ ۱۴×۲۱×۵/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۷۰-۶۰-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: نمایشنامه فارسی -- قرن ۱۴

موضوع: Persian drama -- ۲۰th centur

شناسه افزوده: انجمن هنرهای نمایشی ایران. شعبه استان بوشهر

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷: ۷۵۷۳۸۵/م PIR۳۳۴

رده بندی دیویی: ۸۵۲/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۵۵۱۳۸۸

انتشارات دریاورد

هفت لیوا و چهار نمایشنامه دیگر

رمضان امیری

زیر نظر: پریسا امیری - جهان شیریار احمدی

طرح جلد: سبحان خیرغامیان پور

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ: اول - ۱۳۹۹

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۷۰-۶۰-۳

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

نسانی

ناوه، میدان امام خمینی، مجتمع تجاری جمال زاده، طبقه دوم

انتشارات دریاورد تلفن: ۰۹۱۲۶۸۷۲۷۰۰

پست الکترونیک: Daryanavar.book@gmail.com

اینستاگرام: Daryanavarbook

به حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست

مقدمه: ۷

هفت لیوا/ ۹

سجاده خونین/ ۳۱

انقلاب - جنگ - زندگی/ ۴۵

سنگر عشاق/ ۶۱

فصل پنجم/ ۸۳

شناخت نامه رمضان امیری/ ۱۰۹

این کتاب مضمون «پنج نمایشنامه است از یک نویسنده جنوبی؛ او که اندکی بعد از «قلب آسود» در شهریور ۱۳۲۳، در محله «جبری» بوشهر به جهان سلام گفت و اندکی بعدتر در محله «فرودگاه» قد کشید. ذوق و شوق هنری‌اش ریشه در کتاب داشت و کتابخوانی، در همان سنین کودکی در دوران ابتدایی، کتبایی که بیشتر امانت بود از عموی کتابفروزش؛ و همه با رویکرد ادبیات و افسانه‌ها، حماسه‌های کهن ایرانی، هنرافشانی دبیران آن روزگار مدارس بوشهر، در دهه چهل او را شیفته «بازیگری» کرد و بعدتر با همگام و هدایت شدن با «ایرج صغیری» سرعت گام‌های بلندش در مسیر رسیدن به اندای هنر بیشتر شد. با غریزه‌ی ذاتی‌اش روی صحنه رفت. دیگران با روی صحنه هدایت کرد و بعدتر در اواسط دهه چهل (۱۳۴۶) نخستین نمایشنامه‌اش را نوشت؛ «رقص مرگ» نمایشنامه‌ای با رویکرد حماسی. و این آغاز مسیری بود که لحظه‌ای حتی در آن نایستاد و همواره نایستاد. کارنامه‌ی نمایشنامه نویسی‌اش رنگین است از آثار متعدد: عزایم نشینی، هفت لیوا، سربداران، زائران برزخ، فصل پنجم، کتو، درس عشق، فصل دگر، جنگ انقلاب پیروزی، قهوه خانه میان کتل، قهوه‌خانه بابا پیره، بانوی آذران و. او در پسین تنگی، در اردیبهشت ۱۳۹۱ در حوالی سالنی که بعدتر به نام خودش شد، نفسش باز ایستاد تا همه را مبهوت آخرین بازی‌اش کند. او

این بار نقشی را بازی کرد که خیلی جدی بود. او بدجور در این نقشش فرو رفت. ناگهان رفتنش، آرشیو پریشانی را روبروی ما گذاشت؛ تلاش بسیار کردیم تا چند نمایشنامه وی را به یادگار، به این شکل و شمایل، به تاریخ بسپاریم. نیت مان همین بود. اگر چه خوب می دانیم او با مهر و مهربانی و انسانیت مثال زدنی اش که بر نسل های مختلف باریده است، نام و یادش را تا همیشه ماندگار کرده است. اما خواسته ایم تا با انتخاب چند نمایشنامه از میان نمایشنامه های فراوانش، نام و یادش را تا همیشه در تاریخ تئاتر این دیار سبز نگه داریم.

جهان شیریار حمیدی

پریسا امیری